

شهر در بستر تاریخ

خاستگاه‌ها، دگرگونی‌ها و دورنماهای آن

مدنیت و جامعه مدنی در بستر تاریخ

گفتاری در پیرایش، شکل‌گیری و توسعه جامعه مدنی

مؤلف:

لوئیز ممفورد

برگردان:

دکتر احمد عظیمی بلوریان



مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

Mumford, Lewis

مفورد، لوئیز، ۱۸۹۵ -

جامعه مدنی در گذر تاریخ: خاستگاه‌ها، دگرگونی‌ها و دورنماهای آن: گفتاری در پیدایش، شکل‌گیری و توسعه جامعه مدنی / نوشته لوئیز مفورد؛ برگردان احمد عظیمی. تهران: خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۸۱.
۱۰۰۴ ص.: (۸۹۶ صفحه متن + ۱۰۸ صفحه تصویر)

ISBN 978-964-317-486-6

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیپا.

The city in history: its origins, its transformations, and its prospects.

عنوان اصلی:

۱. شهرها و شهرستان‌ها -- تاریخ. ۲. جامعه مدنی -- تاریخ. ۳. شهرنشینی -- تاریخ. الف. عظیمی بلوریان، احمد، مترجم. ب. عنوان. ج. عنوان: گفتاری در پیدایش، شکل‌گیری و توسعه جامعه مدنی.

۳۰۷/۷۶

HT ۱۱۱/۲ ج ۲ ۱۳۸۱

۷۲۰۷ - ۸۰م

کتابخانه ملی ایران

محل نگهداری

بیاید به حقوق دیگران احترام بگذاریم

دوست عزیز، این کتاب - اصل دست‌نویس چندین ساله مؤلف، مترجم و ناشر آن است. تکثیر و فروش آن به هر شکلی بدون اجازه از پدیدآورنده کاری غیراخلاقی، غیرقانونی و غیرشرعی و کسب درآمد از دست‌نویس دیگران است، نتیجه آن عار ناخوش، موجب رواج بی‌اعتمادی در جامعه و بروز پی‌آمدهای ناگوار در زندگی و آسیب‌هاست. سالم برای خود و فرزندانمان می‌گردد.



مؤسسه خدمات فرهنگی رسا

تلفن: ۴۵-۸۸۸۳۴۸۴۴ فاکس: ۸۸۸۳۸۱۲۵

WWW.RASABOOKS.IR

عنوان: شهر در بستر تاریخ (مدنیت و جامعه مدنی در بستر تاریخ)

نویسنده: لوئیز مفورد — مترجم: دکتر احمد عظیمی بلوریان

چاپ سوم: ۱۳۹۷ — تیراژ: ۵۰۰ نسخه

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است.

مرکز توزیع: پخش رسا - تلفن: ۶۶۹۰۷۷۱۰ و ۶۶۹۰۷۷۱۲

قیمت: ۸۵۰۰۰ تومان

فهرست

۱۳	 دیباچه مترجم
۲۹	 پیشگفتار نویسنده

بخش یکم: پناهگاه، ده، دژ (۶۱-۲۷)

- ۱- شهر درگذر تاریخ ۲۷ / ۲- سن‌شازما و نمادهای حضور حیوانی ۲۹ / ۳- گورستان‌ها و نیایشگاه‌ها ۳۱ /
- ۴- بومی‌کردن و روستا ۳۷ / ۵- سلفالگویی، علم مهندسی آب، آبادسازی زمین ۴۴ / ۶- سهم دهکده ۴۶ /
- ۷- نقش تازه شکارچی ۵۱ / ۸- پیوند پارینه‌نگی / نوسنگی ۵۷

بخش دوم: راه‌های شهری (۶۳-۱۶)

- ۱- نخستین استحاله شهری ۶۳ / ۲- نخستین انفجار درونی شهری ۷ / ۳- دلهره، قربانی و تجاوز ۷۶ /
- ۴- قانون و نظم شهری ۸۵ / ۵- از پناه تا ویرانی ۹۰

بخش سوم: شکل‌ها و الگوهای نیایش (۱۴۷-۹۷)

- ۱- شهرهای جلگه ۹۷ / ۲- معمای ویرانه‌های شهری ۱۰۵ / ۳- شهرگرایی و گرایش یادگارسازی ۱۰۹ /
- ۴- رودخانه، شاهراه و بازار ۱۱۸ / ۵- نوآوری‌های فنی و کاستی‌ها ۱۲۱ / ۶- برداشت‌های اجمالی معاصر از شهر ۱۲۵ / ۷- مصر و شهر باز ۱۲۹ / ۸- از مرکز تشریفاتی تا قانون مهار ۱۳۶ / ۹- الگوهای اصلی یاژن‌ها ۱۴۲

بخش چهارم: ماهیت شهر کهن (۱۷۹-۱۴۹)

- ۱- توسعه عملکردهای شهری ۱۴۹ / ۲- انحصار خلاقیت ۱۵۵ / ۳- نفوذ و رسوخ فرهنگی ۱۵۷ / ۴- تقسیم کار شهری ۱۵۹ / ۵- دارائی و شخصیت ۱۶۵ / ۶- توازن و توسعه ۱۷۰ / ۷- درام شهری ۱۷۴

بخش پنجم: ظهور پولیس

(۲۳۱-۱۸۱)

- ۱- دژهای مینوسی ۱۸۱ / ۲- صدای روستا ۱۸۹ / ۳- المپیا، دلفی، کوس ۲۰۰ / ۴- معبدکهن و خدای نو ۲۱۴ / ۵- تالار شهر و بازار ۲۱۹

بخش ششم: شهروند در برابر شهر آرمانی

(۲۶۳-۲۳۳)

- ۱- شهر / شهر بعد ۲۳۳ / ۲- ریخت شهر هلنیک ۲۳۵ / ۳- تجسم بخشیدن به شهر ۲۴۲ / ۴- برگشت به آرمانشهر ۲۲ / ۵- چالش گفتگوی یونانی ۲۵۶

بخش هفتم: استبداد و مدنیت هلنیستی

(۲۹۲-۲۶۵)

- ۱- تحول دوره ارسطو ۲۶۵ / ۲- «نظمی» انعطاف‌پذیر تا «وقار» خشک ۲۷۳ / ۳- زیر پوسته مدنیت ظاهری ۲۸۸

بخش هشتم: از بزرگ‌شهر تا شهر مردگان

(۳۴۱-۲۰۳)

- ۱- میراث خارجی رم ۲۹۳ / ۲- فاضلاب و آبگذر ۳۰۴ / ۳- پیدایش عمومی شهر و گرمابه ۳۱۵ / ۴- مرگ بعد از ظهر ۳۲۲ / ۵- سیاهه مدنی سده چهارم ۳۳۳ / ۶- محدودیت شهری ۳۳۷

بخش نهم: صومعه و جامعه

(۳۹۰-۳۴۳)

- ۱- شهر آسمانی ۳۴۳ / ۲- نیاز به پناه ۳۴۹ / ۳- افزایش جمعیت و ثروت ۳۵۶ / ۴- شهرک‌های مستقل، دژهای مستعمراتی ۳۶۶ / ۵- چیرگی کلیسا ۳۷۱ / ۶- خدمت صنف ۳۷۶ / ۷- زیارت، راه‌پیمایی، نمایش و تظاهر ۳۸۶

بخش دهم: خانه‌داری شهری دوره میانه

(۴۳۵-۳۹۱)

- ۱- صحنه خانگی ۳۹۱ / ۲- هوا، فضا، بهداشت و تندرستی ۴۰۰ / ۳- پاک‌سازی و حواس پنجگانه ۴۰۷ / ۴- اصول ساخت شهرهای میانه ۴۱۵ / ۵- هسته شهری و محله ۴۲۳ / ۶- مهار رشد و گسترش ۴۳۲

بخش یازدهم: گسیختگی‌های سده‌های میانه - چشمداشت‌های امروزی

(۴۷۴-۴۳۷)

- ۱- مسیحی شهر، سایه و گوهره ۷۳۴ / ۲- ونیز در برابر آرمانشهر ۴۴۵ / ۳- بقایای سده‌های میانه و دگرگونی‌ها ۴۵۴ / ۴- گسیختگی و سنگوارگی ۴۶۳

بخش دوازدهم: ساختار قدرت باروک

(۵۱۱-۴۷۵)

- ۱- از هم پاشیدگی سده‌های میانه ۴۷۵ / ۲- فراگیر شهری جدید ۴۷۶ / ۳- باز بودن و وضوح ۴۷۹ / ۴- قلمرو و شهر ۴۸۴ / ۵- ترار و سویی ۴۹۰ / ۶- جنگ به منزله سازنده شهر ۴۹۵ / ۷- ایدئولوژی قدرت ۴۹۸ / ۸- حرکت و خیابان ۵۰۳ / ۹- الوهیت جدید ۵۰۸

بخش سیزدهم: دربار، خودنمایی و پایتخت

(۵۱۳-۵۶۱)

- ۱- موضع کاخ ۵۱۳ / ۲- نفوذ کاخ بر شهر ۵۱۶ / ۳- اتا، خواب و سالن ۵۲۲ / ۴- ناپدید شدن گرمابه ۵۲۶ / ۵- چیرگی و جلوه باروک ۵۲۷ / ۶- کارکردهای شهری و مانده‌ها ۵۳۴ / ۷- بازار به سبک مورد پسند روز ۵۳۸ / ۸- باقیمانده‌های نظم باروک ۵۴۴ / ۹- درس‌های عبرت و واکنش ۵۴۸

بخش چهاردهم: گسترش بازرگانی و از هم پاشیدگی شهری

(۵۹۹-۵۵۷)

- ۱- از بازار تا اقتصاد بازار ۵۵۷ / ۲- آزادی تازه ۵۶۲ / ۳- سازمان حمل و نقل و مسافر ۵۶۸ / ۴- طرح بورس بازی زمین ۵۷۰ / ۵- بهای گسترش شهری ۵۷۶ / ۶- ترافیک در ترافیک ۵۷۹ / ۷- نظم در آوردن تراکم و ازدحام ۵۸۲ / ۸- شکل‌های دخل و خرج ۵۸۶ / ۹- تفاوت برجسته آمستردام ۵۹۲

بخش پانزدهم: بهشت فن دیرینه: شهر زغال‌سنگ

(۶۴۵-۶۰۱)

- ۱- آغاز شهر زغال‌سنگ ۶۰۱ / ۲- ماشینی شدن و خرابی ۶۰۵ / ۳- فرضیات مسلم اصالت سودمندی ۶۰۸ / ۴- فنون انباشتگی ۶۱۲ / ۵- کارخانه، راه‌آهن و نواحی کثیف و شلوغ شهری ۶۱۶ / ۶- خانه‌های بیمارخیز ۶۲۴ / ۷- متروکه شدن شهر زغال‌سنگی ۶۲۹ / ۸- بانک ۶۳۶ / ۹- شهر زیرزمینی ۶۴۱

بخش شانزدهم: حومه شهر و ورای آن

(۶۴۷-۶۹۸)

- ۱- حومه تاریخی شهر ۶۴۷ / ۲- مراحل رشد حومه شهر ۶۵۳ / ۳- راه و رسم زندگی در حومه شهر ۶۶۰ /
- ۴- از شلوغی هیچ چیز عاید نمی‌شود ۶۶۴ / ۵- حومه شهر به سان یک محله ۶۶۷ / ۶- راه آهن، کمربند سبز و
- هرزه روی ماشین ۶۷۳ / ۷- حومه نشینی انبوه در حکم ضد شهر ۶۸۰ / ۸- خانواده‌ها در فضا ۶۸۳ /
- ۹- برنامه ریزی برای رشد شهر ۶۸۵

بخش هفدهم: افسانه کلان‌شهر

(۷۴۹-۷۹۹)

- ۱- به هم پیوستگی قدرت ۶۹۰ / ۲- بردگی اعداد درشت ۷۰۳ / ۳- دیوانسالاری با شاخک‌های حساس ۷۰۹ /
- ۴- برداشتن محدودیت‌ها ۷۱۰ / ۵- غولگرایی پراکنده ۷۲۰ / ۶- سایه‌های کامیابی ۷۲۵ / ۷- تراکم و
- پراکندگی ۷۲۶ / ۸- ظرفی که ترکد ۷۳۰ / ۹- انبوهی کلان‌شهر ۷۳۵ / ۱۰- عملکرد فرهنگی جهان‌شهر ۷۴۱ /
- ۱۱- شهر ناپیدا ۷۴۱

بخش هجدهم: گذشته و دورنمای آینده

(۷۶۰-۷۶۱)

- | | |
|-----|-----------------------------|
| ۷۶۱ | کتابشناسی |
| ۷۲۱ | فهرست کتابهای لوئیز ممفورد |
| ۸۲۳ | فهرست اعلام فارسی |
| ۸۶۵ | فهرست اعلام لاتین (Index) |

دیباجه مترجم

کتاب حاضر یکی از کتب کلاسیک، ارزشمند و معتبر سده بیستم، و برجسته‌ترین کار پروفیسور لوئیس ممفورد مورخ و جامعه‌شناس فقید آمریکایی است. این کتاب علاوه بر اینکه به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده، مبنای تهیه شش فیلم مستند تحت عنوان «لوئیز ممفورد و شهر»^(۱) قرار گرفته، که توسط هیأت ملی فیلم کانادا^(۲) تهیه و طی چهل سال گذشته در بسیاری از کشورهای جهان به نمایش درآمده است، و هم‌اکنون در مجموعه فیلم‌های آموزشی دانشگاه‌های جهان قرار دارد. این اثر برنده جایزه کتاب ملی^(۳) آمریکا است؛ و انجمن آمریکایی کتابخانه^(۴) از آن یکی از کتاب‌های ماندگار^(۵) شناخته است.

لوئیز ممفورد به عنوان یکی از برجسته‌ترین اساتید تاریخ شهر، فرهنگ و جامعه مدنی شناخته می‌شود. وی در طول بیش از شصت سال زندگی پربار آموزشی و پژوهشی خود، یعنی از جنگ اول جهانی تا دهه هشتاد سده بیستم، حدود سی جلد کتاب و صدها مقاله علمی در مجلات معتبر علمی جهان تألیف و منتشر ساخته است. نخستین اثر تحقیقی وی به نام «داستان آرمانشهر»^(۶) در ۱۹۲۲ به چاپ رسید. از جمله آثار ارزشمند دیگر او کتاب‌هایی تحت عناوین «فنون و تمدن»^(۷) (۱۹۳۴)، «فرهنگ شهر»^(۸) (۱۹۳۸)، «ایمان برای زندگی»^(۹) (۱۹۴۰)، «ارزش‌های بقاء»^(۱۰) (۱۹۴۶)، «تحول انسان»^(۱۱) (۱۹۵۶)، «فنون و توسعه انسانی»^(۱۲) (۱۹۶۷) و... می‌باشد. فهرست کامل کتاب‌های این نویسنده در پایان کتاب درج گردیده است. شهرت به حق نویسنده عمدتاً به دلیل گسترده‌ی دانش علمی، ژرفای پژوهش‌ها، بینش انسانی روشن، توانایی شگرف وی در بیان اندیشه‌ها و قدرت نگارش

1 - "Lewis Mumford on the City"

3 - National Book Award

5 - Lasting Book

7 - Technics and Civilization

9 - Faith for Living

11 - The Transformation of Man

2 - National Film Board of Canada

4 - American Library Association

6 - The Story of Utopia

8 - The Culture of Cities

10 - Values for Survival

12 - Technics and Human Development

اوست. اندیشه‌های ممفورد تأثیر فراوان و عمیقی بر حوزه جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی، هنر و تاریخ اندیشه‌های انسانی بر جای گذاشته است.

ترجمه تحت‌اللفظی عنوان کتاب "شهر در تاریخ"^(۱) است ولی شهری که منظور ممفورد می‌باشد دارای مفهومی کاملاً بسیط بوده و افاده از جامعه پیچیده‌ایست که کار اصلی آن فرهنگ‌سازی، نهادسازی و پرورش شخصیت است، که شهر را در نقطه مقابل روستا قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، شهر ممفورد دارای همان معنایی است که از جامعه مدنی برداشت می‌شود. عنوان کتاب به این دلیل به «مدنیت و جامعه مدنی در بستر تاریخ» برگردان شده است که کتاب بازگوکننده راز موفقیت و همچنین نابودی تمدن‌های جهان، آنهم از دید تیزبین یک اتانومست تاریخ و کاوشگری است که هیچ جای پایی را در تاریخ نادیده نمی‌گیرد، هیچ رازی را تا کاملاً زیر و رو و بررسی نکند کنار نمی‌گذارد. نگاه تیزبین و قلم شکافنده و نقد ممفورد رسوبات و زنگ‌های تاریخ مدنیت را از دورترین اعصار تاریخ تا زمان حاضر، می‌رساند و ماهیت کنش‌ها و واکنش‌های بشری را در بستر مدنیت به صراحت شگفت‌انگیزی باز می‌بیند.

نخستین باری که با نام نویسنده ممفورد آشنا شدم و از دریای بیکران دانش او بهره گرفتم در پائیز سال ۱۹۶۵ و در مکتب استاد فایده‌پروفسور مایر ریچارد ولف^(۲) در دانشگاه واشنگتن^(۳) بود. در آن تاریخ تنها حدود ۴ سال از انتشار این کتاب می‌گذشت، و در شمار یکی از مراجع اصلی درس شناخت شهر و مطالعات مدنی و شهرسازی در سراسر امریکا درآمده بود. بعدها که خود توفیق تدریس در دانشگاه مریلند^(۴) را یافتم، از این کتاب به‌صورت یک مرجع استفاده کردم و از تأثیر شگفت‌انگیز آن در آموزش مطالب فنی‌تر نظیر برنامه‌ریزی عمران شهری و منطقه‌ای و مباحث اقتصادی و جامعه‌شناسی آگاهی بیشتری یافتم.

ترجمه و نشر این کتاب در مقطع کنونی توسعه جامعه ایران، از این نظر که کشور ما وارد مرحله جدیدی از شهرنشینی شده و برای نخستین بار به صورت جدی به طرح مسایل جامعه مدنی پرداخته است، دارای اهمیت ویژه‌ای می‌باشد. شهرگرایی در این مقطع زمانی در ایران تا حدودی شباهت به شرایط اروپا در آغاز سده بیستم دارد، با این تفاوت عمده که توسعه شهرنشینی در اروپای آن زمان حاصل فرایند طبیعی صنعتی شدن اروپا بود ولی در کشور ما این مرحله از شهرنشینی حالت زودرس دارد، و ناشی از تزریق سهم عمده‌یی از

1 - The City in History

2 - Professor Myer Richard Wolfe

3 - University of Washington

4 - University of Maryland

اعتبارات ملی در قالب بودجه جاری به بدنه دیوانسالاری در سی سال گذشته، و افزایش تدریجی سهم دخالت مستقیم دولت در فعالیت‌های اقتصادی است. نباید فراموش کرد که هم بوروکراسی ایران و هم صنایع دولتی عمدتاً در شهرها قرار دارند. جذب درآمد نفت توسط بوروکراسی متورم و صنایع دولتی، و پیامدهای تبعی آن در ایجاد مشاغل خدماتی در شهرها، چنان تفاوتی در معیشت بی‌پشتوانه روستا و رفاه‌نشینی شهر به وجود آورده است که فرار روستایی از روستا و روآوری به شهرها به صورت یک امر ناگزیر درآمده است. صرف‌نظر از این تفاوت، تبعات شهرنشینی در ایران امروز دست‌کمی از آنچه در آغاز سده بیستم در اروپا واقع گردید ندارد.

در آن زمان، آراد شدن انرژی‌های روستایی و انبوه شدن جمعیت در شهرها، مبنای گفتگو و بحث‌های فراه‌ان میان اندیشمندان و جامعه‌شناسان شده و منجر به شکل‌گیری نظریه‌های فراوانی گردید. انقلاب فکری عظیمی در همه زمینه‌ها صورت گرفت. در محدوده علوم نظری، فیزیک بیشتر مرزهای محدود فیزیک نیوتون را در هم شکست. مردم آزادشده از قیود سنتی روستا از غله‌ها شده از شیشه، و صید گریخته از دام، در شهرها ازدحام کردند و با به دست گرفتن قدرت، و هبیری جامعه بازیگر اصلی صحنه اقتصادی و سیاسی جوامع شدند و برگزیدگان، نه گاو و اژدها، سنتی را که قاعده بازی دسته‌جمعی را رعایت نمی‌کردند به چالش طلبیدند. «مردم هست متوسط»، «توده مردم» و کمیت عددی جمعیت ناگهان به صورت مسأله روز درآمد. فلاسفه و اندیشمندانی چون نیچه، اسپنکگلر، هگل، مارکس و خوزه ارتگا ای گاست به بحث در روابط جدید اجتماعی پرداختند. برخی با تکیه به خلاقیت و پویایی انبوه مردم به قاعده بازی دسته‌جمعی (دموکراسی) روی آوردند. بعضی توده‌های مردم را مشت‌عی عوام دانستند که باید توسط نهادهای رکن‌باگان هدایت شوند. در این میان فرصت‌طلبان با استفاده از جو آلوده به تجهیز و سازبندی نیمه‌های آزادشده انسانی از روستا پرداختند و آنها را در برابر طبقه بورژوا قرار دادند و در کردار این تقابل، خود با تصاحب مواضع قدرت، نقش مقسم قالب پنیر را به عهده گرفتند. مفقور چنین رویدادهایی را در مقاطع مختلف تاریخ پانزده هزار ساله مدنیت به خوبی تحلیل کرده است. خطی که نویسنده در این کتاب دنبال می‌کند با تشریح سیر تکوین و تطوّر جامعه انسانی از حالت نطفه‌ای آن - حدود پانزده هزار سال پیش در بین‌النهرین - آغاز می‌شود، تا به شکل گرفتن جوامع شهری در این منطقه می‌رسد. وی در ادامه بحث به تشریح وضعیت و تغییر تدریجی گرانیگاه مدنیت از بین‌النهرین به مصر و یونان پیش از اسکندر و دوره پس از اسکندر می‌پردازد و سپس موضوع احداث جوامع کوچ‌نشین و کلنی‌ها در آسیای صغیر و اروپا و

سرزمین روم غربی را مورد بررسی قرار داده، و آنگاه به حرکت مهاجرفرستی و مهاجرنشینی جمعیت سرریز شده از شهرهای اروپایی به بخش غربی اروپا و انگلستان و امریکای شمالی و جنوبی می‌رسد.

از دید نویسنده، جامعه شهری نه منحصر به محتوای جمعیتی آن است و نه به پوسته و اندام فیزیکی آن محدود می‌شود. او اصل مطلب را در پویایی، تحول و تغییر شکل جامعه مدنی می‌بیند. شهر در واقع دستگاه خودکار «فرهنگ‌سازی» است که در آن ایستایی وجود ندارد و این دستگاه محصولی استاندارد و یکنواخت تولید نمی‌کند. مففورد معتقد است که کارکرد مده جامعه مدنی در این خلاصه می‌شود که قدرت را به شکل، انرژی را به فرهنگ، و ده بی‌جان را به نمادهای زنده هنری، و تولید مثل بیولوژیکی را به خلاقیت اجتماعی تبدیل کند. زندگی در جامعه شهری تنها منحصر به برخورداری از رفاه نسبی در مقایسه با روستا نیست، بلکه این زندگی مجموعه‌ای از کنش‌ها و واکنش‌های سیاسی، روحی، اخلاقی، اقتصادی، مذهبی است. شهرنشینی در مقطعی از تاریخ یک ملت چنان شتابی می‌گیرد که بسیاری از پیرزها از جمله امنیت اجتماعی از مهار خارج می‌شود. همه پدیده‌هایی که به صورت مجرد انتزاعی مذموم به نظر می‌رسند - بزرگراه‌هایی که شهرها را تکه‌تکه می‌کنند، ازدحام سرسام‌آور مردم در شهرها، کمبود مسکن و گرانی اجاره بها، آلودگی زیست‌محیطی که جان پیر و جوان را می‌گیرد، میادین و گذرگاه‌هایی که عبور از آنها به صعوبتی جانکاه صورت می‌گیرد، برخورد هاید و آرایبی که افراط در آنها انرژی‌های حیاتی جامعه را به هدر می‌دهد و ... - همه دست در دست هم جامعه را به کلافگی دچار می‌سازد. در شهرنشینی تازه هرکسی تصمیم‌گیرنده و شخص‌دهنده است. آدم متوسط وظیفه تاریخی بت‌شکنی را به عهده گرفته است. دیگر بهره‌ن و بهره‌دار ندارد. مففورد با شرح جزئیات فراز و فرود مدنیت‌های به‌ظاهر درخشان بین‌النهرین، مصر، یونان و به‌ویژه روم، به خواننده هشدار می‌دهد که علائم خطر را دست‌کم نگیرند.

مففورد جامعه مدنی را عمدتاً از دو بُعد آن - پوسته و مغز یا ظرف و مظهر - مورد بررسی قرار می‌دهد. در بُعد فیزیکی، شهر جایی است ثابت برای استقرار آدمی و محتوای اجتماعی آن: مقصدی است که انسان نهایتاً برای رفع نیازهای فنی و بیولوژیکی و مبادلات اجتماعی آنرا انتخاب کرده و در آن به فعالیت می‌پردازد. از سوی دیگر ظرف یا پوسته شهر باید آنقدر انعطاف داشته باشد که بتواند کنش‌ها و واکنش‌های جامعه را برتابد و به پرورش مدنیت کمک کند. شهر هر زمان لازم باشد باید پوسته بیندازد و پوسته نو باید درخور محتوای متحول شده در زمان و مکان مناسب با آن باشد. این یک فرایند دایمی است. رابطه

و تأثیرات متقابل این دو اساس بحث نویسنده را تشکیل می‌دهد.

هرچه که بحث کتاب پیش می‌رود توجه نویسنده بیشتر از مظروف - محتوای جامعه شهری - به ظرف یا پوسته معطوف می‌شود، تا جایی که در بخش‌های پایانی کتاب عمده مباحث در زمینه نظم دادن به کالبد جسمانی جامعه است که در آن وظایف جامعه بتواند درست و راحت عمل کند. به عبارت دیگر مففورد از ساختار جامعه انسانی و اجتماعی به ساخت شهر می‌رسد و به سئوالات و ابهامات بیشماری که در نظرات جامعه‌شناسی و شهرسازی و مسایل مربوط به استقرار عملکردهای مدنی در مقیاس بزرگتر از شهر، و سپس در حالت «اثیری شدن» جسم جامعه مدنی مطرح است به طرزی ماهرانه پاسخ می‌دهد.

مففورد قیام می‌دهد است که رابطه ظرف و مظروف مستقیم، پیوسته و مداوم است. کسی که حالات یکی از این دو را تشخیص دهد می‌تواند به وضعیت دیگری پی برد. درست مثل رنگ و رخساره آدمی که گوی ضمیر و باطن اوست. وی در اثبات این مدعا از اوضاع محسوس در مقاطع تاریخی - امم را که مورد بررسی قرار داده است شاهد می‌آورد، و خواننده را به نتایج و مقاصد مفقی که در نظر اوست راهنما می‌شود. آدمی حتی با دیدن نشانه‌های سطحی و ظاهری یک شهر می‌تواند تا حدودی به ساختار فرهنگی و اقتصادی و سیاسی آن پی برد: مسافری که در بلاد اسلامی در حرکت است و از دور سواد شهر را می‌بیند، که در آن مناره و گنبد مسجد عناصر محیط بر سایر بناها هستند، به راحتی پی می‌برد که منظور سازندگان این ساختارها، القای این پیام است که ندای غالب در این شهر چیزی جز بانگ الله اکبر نیست. همین مسافر اگر دورهای شهرهای شیکاگو و نیویورک را ببیند، و عملکرد آسمانخراش‌های عظیم تجاری و بیمه و بانک‌ها را تشخیص دهد، به آسانی به کنش‌ها و واکنش‌های قدرت‌های مادی در آن جوامع پی می‌برد البته این یک برداشت سطحی است، زیرا، نه در شهرهای تجاری مغرب زمین هنوز ایمان و معانیات به کلی نابود شده، و نه اینکه شهرهای مشرق زمینی کلاً روحانی و مبرّی از ماده‌پرستی هستند. مضافاً آنکه نشانه‌های ظاهری گاهی گول‌زننده هستند و معنایی کاملاً مخالف آنچه که به ظاهر القا می‌شود دارند: وجود کاخ‌ها و تشکیلات عظیم دادگستری در بسیاری جوامع به ظاهر متمدن نشانه گسترش و تضمین عدالت نیست، بلکه حکایت از وجود تنش‌های نهان اجتماعی، و بی‌عدالتی گسترده دارد.

بخش مهمی از کتاب به تشریح فلسفه تاریخ یونان و اوضاع اجتماعی این کشور پیش از اسکندر و دوره پس از آن اختصاص یافته است. زمامداری اسکندر نقطه شکستگی میان فرهنگ یونانی، از کانون اندیشه جهانی هلنی و تغییر شکل آن بر محور مادیگری روم است.

مطالعه این بخش برای ما ایرانیان از این نظر اهمیت دارد که اندیشه یونانی در طی بیست و پنج قرن گذشته از منابع مختلف و ای بسا به صورت ناقص وارد فرهنگ ما شده است. در دوره مهمی از این تاریخ میان ایران و یونان توازن قوا برقرار بوده و دو کشور هم‌مرز بوده‌اند، و یونانیان آن روز، چون افغانی‌ها در دهه گذشته، برای فرار از قحطی و نکبت ناشی از فروپاشی‌های داخلی یونان و یافتن کار به ایران پناه می‌آورده‌اند. در آن دوران، رابطه فرهنگی و نفوذ فرهنگی یکی بر دیگری یک‌سویه نبوده است. چه بسا بخش عمده‌ای از ارزش‌های معنوی یونان که به ایران و جهان رسیده است صادرات دوباره اندیشه‌های ایرانی و بین‌النهرینی و مصر بوده باشد. چنین حالتی را می‌توان در نفوذ و تغییر شکل ادیان از یک سرزمین به سرزمین دیگر، و بازگشت آن به سرزمین مادر، به کرات در تاریخ مشاهده کرد. نویسنده آنچه را که حق اندیشه یونانی در ساخت جامعه مدنی جهان می‌داند کاملاً ادا کرده است، ای همدار می‌دهد که باید از هیپنوتیزمی که نسل‌های متعدد اندیشمندان نسبت به دستاوردهای یونان دچار شده‌اند، پرهیز کرد تا بتوان آن دستاوردها را به شکل صحیح ارزشیابی نمود. مفهوه خصوصاً به تشریح دقیق اندیشه‌های افلاطون و ارسطو و سقراط در مدل‌های اجتماعی و ساختار آرمانی جامعه شهری می‌پردازد و مبنای بسیاری از نظریات جامعه‌شناسی تاریخ را در این زمینه‌ها به چالش می‌گیرد.

کتاب "مدنیت و جامعه مدنی در بستر تاریخ" تقریباً همه ابهامات ایدئولوژیکی موجود در تصور «ایسم»‌های مختلف را که ساخته و پرداخته جوامع مدنی است از ریشه روشن می‌کند و برای کسی که به همه منابع دانش در زمینه تاریخ‌شناسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی دسترسی ندارد بر روی و درک این اندیشه‌ها را آسان و ممکن می‌سازد.

نویسنده گرچه غربی و امریکایی است ولی افکار و اندیشه‌های او مابه از شرق دارد. وی برای دنیای مدرن غربی و مادیگری غالب بر آن بهای چندانی قایل نیست. آنچه برای وی ارزش دارد، فطرت انسانی و نیاز فطری انسان است. وی مادیگری و بت‌پرستی را در همه وجود آن به شدت محکوم می‌کند، و فرهنگ جوامع توتالیتار و فرهنگ سرمایه‌داری غرب را سرونه یک کرباس می‌داند، و برخوردی فراخور هریک از این دو را ارایه می‌دهد.

معمود برای دین و ارزش‌های مذهبی ارزش و اهمیت خاصی قایل است، ولی در عین حال استفاده ابزاری از مذهب را در جهت مقاصد سیاسی توسط دنیاپرستان و رانت‌خواران (رندان اقتصادی) و تمامیت‌خواهان و عاشقان قدرت مورد نکوهش قرار می‌دهد. وی برخلاف معمول مورخین تاریخ، فرهنگ دوره میانه (قرون وسطی) را چیزی هم‌ردیف

دشنام نمی‌داند، بلکه از بازگشت جامعه اروپا در دوران میانه به ارزش‌ها و فطرت انسانی و پارسایی و پرهیزکاری به نیکی یاد می‌کند. اگرچه در دوره‌های خاصی از قرون وسطی خشونت مذهبی سراسر اروپا را فرا گرفته بود، ولی مفقود معتقد است که این نوع خشونت و گرایشات مذهبی در مشرق‌زمین در راستای تأکید بر صفات قهرآمیز خداوند از استمرار بیشتر نسبت به غرب برخوردار بوده است؛ و این را بازتابی از طبیعت خشن، ناسازگار و غیرقابل پیش‌بینی این منطقه می‌داند. در مغرب اسلامی و مصر که طبیعت نرم‌تر و شرایط اقلیمی قابل پیش‌بینی است زندگی حتی برای عامه مردم دلپسندتر است. وجود فرهنگ بخشایش و چشم‌پوشی در مسایل دینی در آن بلاد را به همین دلیل توجیه می‌کند. مومیایی کردن آدمیان را حتی گریه‌های خانگی در مصر قدیم را حرکت و نشانه‌ای می‌داند از آرزوی تداوم و طولانی کردن زندگی و حیات دوباره، حتی اگر این زندگی در جهان زیرین باشد. درست است که فرهنگ رجامعه بازتابی از ویژگی‌های آن جامعه است ولی در تکوین یک فرهنگ نباید نقش و نفوذ و تأثیر سایر فرهنگ‌ها را نادیده گرفت. نویسنده دلایل بسیاری را ذکر می‌کند که حاکی از رابطه تنگاتنگ فرهنگ‌ها در گذشته دور است دارد. فرهنگ‌های یونان و مصر و روم (و ایران و ابن‌النهرین را نه تنها با هم بیگانه نمی‌داند بلکه هریک را متأثر از دیگری می‌پندارد. در این راستا تأثیر مانویت ایرانی را به مسیحیت روم نباید دست‌کم گرفت. و اگر امروز ثابت شود، سوسیالیسم شکل بازسازی شده عقاید مزدکیان ایرانی است که روزی سراسر دنیای شرق و غرب را، از روم تا چین و تا آفریقا دربر گرفته بود نباید دچار شگفتی شد. قشر فرهیخته و متمدن‌نشینان از آنچه در کشورهای همجوار و دور دست می‌گذشته است همیشه اطلاعات داشتند و موثق داشته‌اند و ای بسا در چشم و هم‌چشمی آنچه را که می‌پسندیده‌اند سریعاً گرفته و به نفع خود بردند. سفرنامه ابن‌بطوطه حکایت از صدها مورد از این مبادلات فرهنگی دارد. اگر فرهنگ‌های دور دست اطراف حوزه فرهنگی ایرانی امروز برای ما مجرد و بی‌ارتباط جلوه می‌کند به دلیل این نیست که در گذشته‌ها میان ما مبادله نبوده است بلکه از این‌روست که مدارک مکتوب ما در هجوم بیگانگان و تغییر رژیم‌ها نابود شده است.

گستره نفوذ فرهنگ مدنی ایران در غرب به‌خوبی در بالکان محسوس است، و قونیه گرانیگاه یا پایگاه منطقه‌ای آن و ملای رومی بزرگترین شاعر عرفانی ایران تبلور بیان این فرهنگ شناخته می‌شود. گستره این نفوذ از آنجا به سوی شام و حلب و مصر کشیده شده

۱ - از نظر شفافیت معنی، «روم» در این کتاب به مفهوم امپراطوری و کشور روم و «رم» به معنای شهر - پایتخت روم غربی - به کار رفته است.

است. همزمانی و تقارن پیدایش تصوف در ایران با شروع زهد و تصوف و تشکیل انجمن فتوت در آسیای صغیر و در سراسر آناتولی و تأسیس فرقه‌های اخوت و پارسایی و پرهیزکاری در غرب - نظیر کواکرها - که هنوز هم بقایای آنها در نیوانگلند در امریکای شمالی وجود دارد - شگفت‌انگیز است. بسیار دورتر از آن - از حدود چهار هزار سال پیش - حسرت معنویات رایج در ایران و مشرق زمین و پاکیزگی جسمانی ایرانیان تا قرن‌ها در دل یونانیان باقی بوده است. جستارهایی از این موارد در این کتاب آمده است.

شهرها چون دیگ جوشان مدنیت همواره در غلیانند و تمدن‌ها در زمان و فضا تحول می‌یابند. ارزش‌های حاکم در یک جامعه مدنی با تغییر عوامل دستخوش دگرگونی می‌شوند. به این جامعه رم عهد سزاز باشد یا جامعه النبی. بر کسی پوشیده نیست که گرایش دنیای پیش از اسلام در شرق تا غرب عالم و در امپراطوری‌های ایران و یونان و روم شرقی و روم غربی و به سرب به سوی مادیگری بوده، و ضعف و انحطاط امپراطوری‌ها نیز درست به همین دلیل صورت گرفته است. نویسنده با ذکر جزئیات نشان می‌دهد که چگونه فساد ناشی از مادیگری در فرهنگ رومی، امپراطوری عظیم روم را چنان به حاشیه سقوط راند که با یک تلنگر اقوام وحشی ژرمن سر فر ریخت. از سوی دیگر، ادیان الهی برخاسته از یک منطقه جغرافیایی محدود، که اسلام آنها را تمام‌کننده حجت است همواره مبشر وحدانیت و هشدار دهنده نسبت به تبعات مادیگری رده و انسان را به بازگشت به ارزش‌های الهی و فطرت خود می‌خوانده‌اند. ولی شایان توجه است که حتی همین ادیان و ارزش‌های آنها در زمان و فضا دستخوش تغییرات و تفسیرات شده و به شکل است بتوان تحول طبیعی در گذر زمان و مکان را از انحراف و کجروی به راحتی نیز دید. شاید ذکر یک یا دو نمونه از پدیده‌های متغیر به روش شدن این مطلب کمک کند:

ساختن خانه کعبه توسط حضرت ابراهیم (ع) به صورت یک ساختار انسانی و ساده و خاکی با معیار و مقیاس و مصالحی که از عهده هر کسی برآید یک نمونه ساده از گرایش پیامبران الهی به ساده‌زیستی است. پیام بسیار روشن است: اهمیت ندادن به دنیای گذرا، ساده زیستن، پرهیز از تجمل و توجه به معنویات. از آن نزدیکتر به ما، ساختن مسجد النبی در مدینه منوره به دست مبارک پیامبر اسلام (ص) و صحابه وی می‌باشد که بی‌گمان نخستین خشت بنای جامعه النبی است. هنگامی که حضرت محمد (ص) به پیامبری مبعوث گردید، دنیای اطراف شبه جزیره عرب را امپراطوری‌های عظیم ایران و یونان و روم و مصر فرا گرفته بودند و اعراب خصوصاً بازرگانان و کاروان‌داران و سیاحان عرب با بناهای عظیم اکروپولیس در یونان، تیسفون در ایران، اهرام مصری و کاخ‌های امپراطوری روم شرقی ناآشنا

نبودند. ولی به دستور محمد (ص) مسجدالنبی به طور آگاهانه و ارادی با ارزانترین مصالح محلی، به صورت بسیار ابتدایی، و به دور از هرگونه تشریفات و تزیین ساخته شد. و این در حالی بود که معابد و نیایشگاه‌های باشکوه ایرانی و هندی در آن زمان غرق در تزیینات و پوشیده از طلا بودند. هنگامی که ساختمان مسجدالنبی به پایان رسید، سر نمازگزاران به سقف حصیری و محقر آن ساییده می‌شد. ولی به رغم یادآوری صحابه، تا پیامبر اسلام در قید حیات بود، تغییر عمده‌ای در آن صورت نداد. توسعه مسجد تا زمان عثمان آنقدرها قابل توجه نبود. اگر نقل قول ابن بطوطه را بپذیریم، شرایط ساده و بی‌آلایش عزیزترین مسجد جهان اسلام زمانی تغییر کرد که ولید بن عبدالملک به امپراطور مسیحی روم پیام فرستاد که «من می‌خواهم مسجد پیغمبر خودمان را تعمیر کنم و تو مرا در این کار یاری کن». قیصر روم گروهی کارگر (فنی) با تعداد هزار مئقال طلا برای این منظور به مدینه فرستاد که با آن خانه‌های اطراف مسجد را بردند [از جمله بخشی از خانه متعلق به دختر عمرا، و بدین ترتیب موجبات توسعه مسجد را فراهم نمودند].^(۱)

در اینجا چند نکته مطرح می‌شود. اینکه مسجدالنبی در مقایسه با کاخ‌های طاغوتیان شرق و غرب عالم آنروز ساده و کوچک و بی‌آلایش ساخته شد، که سر مؤمنان به طاق حصیری آن می‌سایید، آیا دلیل بر ناتوانی اقتصاد صدر اسلام بود که گسترش و تزیین آن مسجد موقوف به ثروتمند شدن و تکاثربیت باشد و یا کمک خارجی شده باشد - مثلاً آیا اگر در همان زمان یک گنج بادآورده نصیب مسلمانان می‌شد این مسجد را عظیم‌تر و باشکوه‌تر و با ستون‌های سنگی رخام می‌ساختند؟ - اینها آنای پیامبر از معماری باشکوه زمان خود تجسمی نداشت و اگر می‌داشت غیر از آن می‌کرد؟ و اینکه او عالماً و عامداً و با نیتی مخالف با این گرایشات قوی دست به احداث مسجد ساده‌ترین وجه زد؟ پیامبر اسلام (ص) خود به این سئوال‌ها پاسخ داده است: پس از ساختن مسجد و به شیدن سقف آن با پوست خرما، چون این سقف در مواقع باران چکه می‌کرد، صحابه پیشنهاد می‌کردند که سقف اندود شود. حضرت نپذیرفت و چنین گفت: «چارطاقی چون چارطاق موسی با سایبانی چون سایبان او باید. بلکه کار از آن هم سهل‌تر است». پرسیدند سایبان موسی چگونه بوده است، فرمود «چنان بود که هرگاه می‌خواست از جای برخیزد سرش به سقف می‌خورد». ^(۲) خواننده محترم توجه دارند که حضرت موسی (ع) جوانی خود را در کاخ‌های فرعون به سر برده و از جلال و شکوه و عظمت و مقیاس عظمت کاملاً بااطلاع بوده است.

۱ - سفرنامه ابن بطوطه - ترجمه دکتر محمدعلی موحد - مجموعه ایرانشناسی - بنگاه ترجمه و نشر کتاب ۱۳۵۹

۲ - پیشین، ص ۱۱۹ - ۱۱۸

جلد اول، ص ۱۲۱